

مقدمه

به عنوان مهمترین کنشگران نظام های آموزشی و عنصر اصلی در فرآیند اجرای برنامه های درسی میباشند. ارتقای کیفیت معلم به عنوان عنصر اصلی در بهبود آموزش شناخته میشود و بالا بردن دانش، مهارتها، تواناییها و انگیزه های آن ها جز در سایه توسعه حرفه ای و یادگیری مهارتهای حرفه ای امکانپذیر نیست توسعه حرفه ای معلمان به معنی رویکردی جامع، حمایتی و متمرکز برای ارتقای اثربخشی معلمان در جهت پرورش و موفقیت دانش آموزان است فرآیندها و فعالیتهای طرحریزی شده به منظور افزایش دانش، مهارت و نگرشهای حرفه ای معلمان است (طاهر پور کلاتتری و غلام پور، ۲۰۲۳).

معلمان برای عمل حرفه ای به دانشی فراتر از دانش تخصصی خود نیاز دارند تا تلفیقی همگون از دانشها، مهارتها و نگرشها را شکل دهند (فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۸) از این سواد می توان تحت عنوان سواد برنامه ریزی درسی نام برد. سواد برنامه ریزی درسی داشتن اطلاعات اولیه برنامه درسی، درک و تفسیر برنامه درسی، بررسی انتقادی آن، به کارگیری و انطباق رویه ها با توجه به شرایط را شامل می شود. سواد برنامه درسی را میتوان فرآیند درک و تحلیل معلمان از برنامه درسی رسمی با مهارتهای ذهنی سطح بالا تعریف نمود. زیرا عامل اصلی انعکاس برنامه ها به فرآیند یادگیری و تدریس معلمان هستند. سواد برنامه ریزی درسی معلمان باعث می شود که آن ها متناسبترین برنامه را برای کلاس تدوین کنند، زیرا فقط معلمان هستند که نسبت به دانش آموزان خود شناخت کافی دارند. معلمانی که به عنوان برنامه ریزان درسی می توانند برنامه درسی متناسب با کلاس خود را آماده کنند، آنها باید نسبت به اصول و مبانی و مراحل برنامه ریزی درسی شناخت کامل داشته باشند تا بتوانند در انتخاب راهبردهای یاددهی- یادگیری موفق عمل کنند (تقی پور، صالحی و عابدینی، ۲۰۲۲).

برنامه ریزی درسی یکی از راهبردهای فراشناختی است که شامل تعیین هدف برای یادگیری و مطالعه، پیش بینی زمان لازم برای مطالعه، تعیین سرعت مناسب مطالعه، تحلیل چگونگی برخورد با موضوع یادگیری و انتخاب راهبردهای یادگیری مفید است. سواد برنامه ریزی درسی معلمان باعث می شود که معلمان، متناسبترین برنامه را برای کلاس تدوین کنند، زیرا تنها معلمان هستند که نسبت به دانش آموزان خود شناخت کافی دارند. معلمانی که به عنوان برنامه ریزان مواد درسی، خود، برنامه درسی متناسب با کلاس را آماده می کنند، لازم است نسبت به اصول و مبانی برنامه ریزی درسی و از مراحل آن شناخت کامل داشته باشند تا بتوانند اثربخشی داشته باشند. اثربخشی معلم به مفهوم میزان توانایی معلمان در دستیابی به اهداف آموزشی، ارتباط مثبت معلم و دانش آموز، صلاحیتهای و شایستگیها، حضور به موقع، هیجان و انگیزه های آموزش و انجام دادن کارهایی همچون برنامه ریزی، توجه به نیازهای دانشآموزان، استفاده از روشهای متفاوت و جدید در کلاس درس و ایجاد انگیزه در دانش آموزان میباشد. معلم اثربخش، برای تحقق اهداف مورد نظر

باید دانش و مهارت‌های موردنیاز را داشته و قادر به انجام و کاربرد آنها نیز باشد. معلمان اثربخش بیشتر هدفگرا و هدفمند هستند و برای یادگیری بهتر در محیط آموزشی رسانه‌های مناسب با تدریس خود را انتخاب کرده و در جهت تهیه آنها یا ساختن آن اقدامات لازم را با همکاری مسئولان به عمل می‌آورند، که می‌توانند تأثیر زیادی بر روی یادگیری دانش آموزان داشته باشند. معلمان اثربخش باید دانش و مهارت‌های مورد نیاز را برای دستیابی به اهداف مورد نظر داشته باشند و بتوانند آن‌ها را در زمان مناسب و به شیوه مطلوب و مورد انتظار به کارگیرند (گراوند و عباسپور، ۲۰۱۲).

به طور کلی در جهان امروز، که با تحولات سریع و پیچیده‌ای در زمینه‌های مختلف روبرو هستیم، اهمیت نقش معلمان در کیفیت آموزش و پرورش بیش از پیش آشکار شده است. سواد برنامه درسی معلمان، که شامل دانش و مهارت‌های لازم برای تدوین، ارزیابی و اجرای برنامه‌های درسی موثر است، نقشی اساسی در اثربخشی تدریس و یادگیری دارد. معلمانی که دارای سواد برنامه درسی بالایی هستند، قادر به انطباق با نیازها و چالش‌های دانش‌آموزان و محیط آموزشی می‌باشند. با این حال، بسیاری از معلمان با چالش‌های متعددی در زمینه به‌روزرسانی دانش و مهارت‌های خود مواجه هستند. توسعه حرفه‌ای مستمر معلمان، که شامل آموزش‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی و فرصت‌های یادگیری مداوم است، می‌تواند بهبود عملکرد معلمان و ارتقاء کیفیت آموزشی را تضمین کند. لذا این پژوهش به بررسی نقش واسطه‌ای توسعه حرفه‌ای معلم در رابطه بین سواد برنامه درسی و اثربخشی معلم می‌پردازد.

توسعه حرفه‌ای معلم در رابطه سواد برنامه درسی معلم با اثربخشی معلم نقش واسطه‌ای دارد.

سواد برنامه درسی معلم با اثربخشی معلم رابطه دارد.

سواد برنامه درسی معلم با توسعه حرفه‌ای معلم رابطه دارد.

توسعه حرفه‌ای با اثربخشی معلم رابطه دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه معلمان متوسطه اول شهرستان کازرون تشکیل داده است. برای بدست آوردن تعداد نمونه از جدول کرجسی مورگان استفاده شده است، تعداد افراد نمونه با توجه به جدول کرجسی مورگان برابر با ۱۸۵ نفر بود که روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای می‌باشد به این صورت که به صورت خوشه‌ای ۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه انتخاب شد و پرسشنامه بین همه معلمان متوسطه آنها توزیع شد. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه استاندارد استفاده شد:

پرسشنامه سواد برنامه درسی (عباباف و همکاران، ۱۳۹۲). این پرسشنامه شامل ۴۰ گویه در سه بعد برنامه درسی مکتوب (۱-۸)، برنامه درسی به‌عنوان نقشه عمل (۹-۲۴) و برنامه درسی به‌عنوان فرایند (۲۵-۴۰) است. شیوه نمره‌گذاری بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از ۱=بسیار کم تا ۵=بسیار زیاد) انجام می‌شود. پایایی این ابزار در پژوهش‌های پیشین بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۹ (نوری غلباش، ۱۳۹۸) گزارش شده است.

پرسشنامه توسعه حرفه‌ای (قنبری و محمدی، ۱۳۹۵). این ابزار دارای ۲۵ گویه در پنج بعد ویژگی‌های روان‌شناختی (۱-۴)، مهارت‌های فردی (۵-۱۳)، دانش تخصصی (۱۴-۱۷)، دانش عمومی (۱۸-۲۱) و دانش فناوری (۲۲-۲۵) است. نمره‌گذاری بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت انجام می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش توکل (۱۳۹۷) برابر با ۰/۹۲ گزارش شده است.

پرسشنامه اثربخشی معلم (ادموند و همکاران، ۲۰۰۵). این پرسشنامه شامل ۳۹ گویه در پنج بعد انتقال اهداف بازدهی درس (۱-۶)، ارائه منظم اطلاعات (۷-۱۶)، اجتناب از ابهام (۱۷-۲۶)، کنترل درک (۲۷-۳۳) و تدارک تمرین و بازخورد (۳۴-۳۹) است. نمره‌گذاری بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (۱=بسیار کم تا ۵=بسیار زیاد) انجام می‌شود و دامنه امتیاز کل بین ۳۹ تا ۱۹۵ است. پایایی این ابزار با آلفای کرونباخ مناسب گزارش شده است. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها با روش لاوشه CVR بررسی شده و مقادیر بالاتر از ۰/۷ نشان داد که بیشتر گویه‌ها دارای تناسب مطلوب بودند.

یافته‌ها

برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک همراه با شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شد. نتایج نشان داد که سطح معناداری تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ بوده است؛ بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند و امکان استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک فراهم است. مطابق با الگوریتم داده‌ها در روش مدل سازی معادلات ساختاری، پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، پژوهشگر اجازه می‌یابد که به بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش خود بپردازد و به یافته‌های پژوهش دست یابد. در این پژوهش نیز فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر بررسی و تایید شدند.

بررسی فرضیه اول پژوهش: سواد برنامه درسی معلم با اثربخشی معلم رابطه دارد. پژوهش همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود ضرایب مسیر میان سواد برنامه درسی معلم و اثربخشی معلم برابر با ۰/۵۳ است که در سطح معناداری ۰/۰۵ از ۱/۹۶ بزرگتر می‌باشد و می‌توان گفت که سواد برنامه درسی بر اثربخشی معلم اثر دارد.

جدول ۱ نتایج آزمون معناداری فرضیه اول اثر سواد برنامه درسی معلم بر اثربخشی معلم

متغیر	سطح معنی داری	آزمون T	مقدار بتا
اثر سواد برنامه درسی بر توسعه حرفه ای	۰/۰۵	۶/۲۱	۰/۵۳

بررسی فرضیه دوم پژوهش: سواد برنامه درسی معلم با توسعه حرفه ای معلم رابطه دارد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ضرایب مسیر میان متغیر سواد برنامه درسی معلم و توسعه حرفه ای معلم برابر

با ۰/۹۵ است که در سطح معناداری ۰/۰۵ از ۱/۹۶ بزرگتر می باشد و می توان گفت که سواد برنامه درسی بر توسعه حرفه ای معلم اثر دارد

جدول ۲ نتایج آزمون معناداری فرضیه دوم اثر سواد برنامه درسی معلم بر توسعه حرفه ای معلم

متغیر	سطح معنی داری	آزمون T	مقدار بتا
اثر سواد برنامه درسی بر توسعه حرفه ای	۰/۰۵	۱۵۹/۲۶	۰/۹۵

بررسی فرضیه سوم پژوهش: توسعه حرفه ای با اثربخشی معلم رابطه دارد. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود ضرایب مسیر میان متغیر توسعه حرفه ای و اثربخشی معلم برابر با ۰/۴۴ است که در سطح معناداری ۰/۰۵ از ۱/۹۶ بزرگتر می باشد و می توان گفت که سواد برنامه درسی بر توسعه حرفه ای معلم اثر دارد

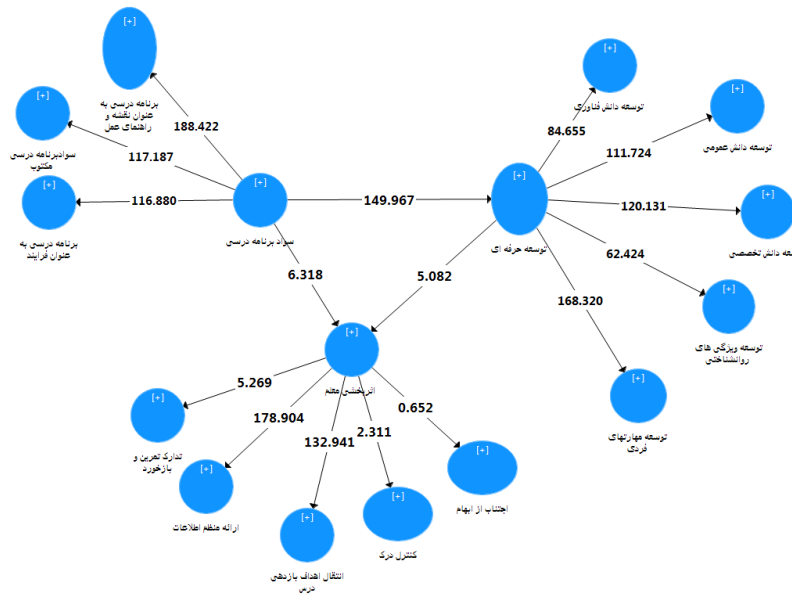
جدول ۳ نتایج آزمون معناداری فرضیه دوم اثر سواد برنامه درسی معلم بر توسعه حرفه ای معلم

متغیر	سطح معنی داری	آزمون T	مقدار بتا
ثرسواد برنامه درسی بر توسعه حرفه ای	۰/۰۵	۵/۰۳	۰/۴۴

بررسی فرضیه میانجی(اصلی) توسعه حرفه ای معلم در رابطه سواد برنامه درسی معلم با اثربخشی معلم نقش واسطه ای دارد برای بررسی معنی داری اثر میانجی از تحلیل بوت استرپ استفاده شد. بوت استرپ فرآیندی با جایگذاری از داده‌های اصلی است که به طور تصادفی چندین زیرنمونه استخراج میکند. در نرم افزار PLS از هریک از زیرنمونه‌ها برای برآورد استفاده میشود. جدول ۴، اثر غیرمستقیم سواد برنامه درسی معلم بر اثربخشی معلم را نشان می دهد همانطور که نتایج جدول ۵ نشان می دهد، اثر غیرمستقیم سواد برنامه درسی معلم بر اثربخشی معلم با میانجیگری توسعه حرفه ای با میزان ۰/۴۲ در سطح ۰/۰۵، معنادار است.

جدول ۴ نتایج آزمون بوت استرپ بررسی فرضیه میانجی

رابطه ها	B	T	P	فاصله اطمینان
اثر غیرمستقیم سواد برنامه درسی معلم بر اثربخشی معلم با میانجیگری توسعه حرفه ای	۰/۴۲	۴/۹۸	۰/۰۵	کران بالا کران پایین
				۰/۲۵ ۰/۵۸



شکل شماره ۱ مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سواد برنامه درسی معلم بر اثربخشی معلم اثر دارد تحقیقات قبلی به طور مداوم بر اهمیت سواد برنامه درسی معلمان در افزایش کیفیت آموزشی و اثربخشی کلی معلمان تأکید کرده‌اند. شولمن (۱۹۸۶) تأکید کرد که محتوای معلمان و دانش برنامه درسی، پایه و اساس شیوه‌های آموزشی مؤثر را تشکیل می‌دهد. به طور مشابه، پینار (۲۰۱۲) استدلال کرد که درک برنامه درسی، معلمان را قادر می‌سازد تا تجربیات یادگیری را طراحی کنند که منسجم و همسو با اهداف آموزشی باشند و در نهایت باعث بهبود ارائه آموزش و نتایج دانش‌آموزان شوند. معلمانی که درک عمیقی از محتوای برنامه درسی، اهداف و هماهنگی آن دارند، برای طراحی برنامه‌های درسی منسجم، تطبیق آموزش با نیازهای زبان‌آموزان و دستیابی به نتایج یادگیری مطلوب، مجهزتر هستند. با این حال، در حالی که این مطالعات عموماً سواد برنامه درسی را به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مستقیم اثربخشی معلمان نشان می‌دهند، در واقع سواد برنامه درسی مدت‌هاست که به عنوان عنصر اصلی تدریس مؤثر شناخته شده است (شولمن، ۱۹۸۶). معلمانی که درک عمیقی از محتوا، اهداف و هماهنگی برنامه درسی دارند، برای طراحی برنامه‌های درسی منسجم، تطبیق آموزش با نیازهای زبان‌آموز و دستیابی به نتایج یادگیری مطلوب، مجهزتر هستند (پینار، ۲۰۱۲). مطالعات قبلی اغلب این رابطه

را به صورت مستقیم و خطی مفهوم‌سازی کرده‌اند، با این فرض که سواد برنامه درسی قوی‌تر ناگزیر منجر به کیفیت تدریس بالاتر می‌شود (گروسمن و شونفلد، ۲۰۰۵؛ استنهاوس، ۱۹۷۵).

نقش واسطه‌ای توسعه حرفه‌ای معلمان با تحقیقات قبلی که بر نقش حیاتی آن در بهبود شیوه‌های آموزشی تأکید دارند، همسو است. دسیمون (۲۰۰۹) ویژگی‌های اصلی توسعه حرفه‌ای مؤثر - مانند تمرکز بر محتوا، یادگیری فعال و انسجام - را شناسایی کرد که مستقیماً بر عملکرد معلم و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند. اوپفر و پدِر (۲۰۱۱) همچنین نشان دادند که فرصت‌های یادگیری حرفه‌ای، تبدیل دانش نظری (مثلاً سواد برنامه درسی) به استراتژی‌های عملی کلاس درس را تسهیل می‌کنند. برخلاف این مطالعات قبلی که توسعه حرفه‌ای را به عنوان یک عامل مستقل در نظر می‌گرفتند، مطالعه حاضر نشان می‌دهد که توسعه حرفه‌ای به عنوان مکانیسمی عمل می‌کند که از طریق آن سواد برنامه درسی به شیوه‌های تدریس مؤثر تبدیل می‌شود.

توسعه حرفه‌ای معلمان به طور گسترده به عنوان محرک اصلی بهبود عملکرد معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شناخته شده است (دسیمون، ۲۰۰۹؛ دارلینگ-هاموند، هایلر و گاردنر، ۲۰۱۷). مطالعه حاضر از این شواهد پشتیبانی می‌کند، اما با نشان دادن اینکه توسعه حرفه‌ای به عنوان مکانیسمی عمل می‌کند که از طریق آن سواد برنامه درسی به تدریس مؤثر تبدیل می‌شود، فراتر از کارهای موجود می‌رود. اوپفر و پدِر (۲۰۱۱) یادگیری حرفه‌ای را به عنوان یک فرآیند پویا و غیرخطی که توسط باورهای معلمان، زمینه مدرسه و فرصت‌های خارجی شکل می‌گیرد، مفهوم‌سازی کردند. اثر واسطه‌ای مشاهده شده در این مطالعه به طور تجربی از این دیدگاه پشتیبانی می‌کند و تأکید می‌کند که فعالیت‌های توسعه حرفه‌ای - به ویژه فعالیت‌هایی که پایدار، متمرکز بر محتوا و مشارکتی هستند - به معلمان کمک می‌کنند تا شکاف بین درک برنامه درسی و کاربرد در کلاس درس را پر کنند. کندی (۲۰۱۶) به طور مشابه استدلال کرد که توسعه حرفه‌ای، فرآیندهای استدلال و تصمیم‌گیری آموزشی معلمان را اصلاح می‌کند و منجر به انتخاب‌های آموزشی آگاهانه‌تر و مؤثرتر می‌شود. یافته‌های حاضر این استدلال را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که توسعه حرفه‌ای صرفاً افزایشی نیست، بلکه تحول‌آفرین است و تأثیر سواد برنامه درسی بر عمل تدریس را تقویت می‌کند.

در حالی که مطالعات قبلی سواد برنامه درسی معلمان (شولمن، ۱۹۸۶؛ پینار، ۲۰۱۲) و توسعه حرفه‌ای (دسیمون، ۲۰۰۹؛ آوالوس، ۲۰۱۱) را به عنوان سازه‌های جداگانه‌ای که بر اثربخشی معلم تأثیر می‌گذارند، بررسی کرده‌اند، تعداد کمی از آن‌ها تعامل آن‌ها را بررسی کرده‌اند. بنابراین، یافته‌های این مطالعه شواهد جدیدی ارائه می‌دهد که این سازه‌ها در یک توالی علی به هم پیوسته‌اند: سواد برنامه درسی، مشارکت و جذب توسعه حرفه‌ای را شکل می‌دهد که به نوبه خود اثربخشی معلم را افزایش می‌دهد. یافته‌های این مطالعه شواهد جدیدی ارائه می‌دهد که این سازه‌ها در یک توالی علی به هم پیوسته‌اند: سواد برنامه درسی، مشارکت و جذب توسعه حرفه‌ای را شکل می‌دهد که به نوبه خود اثربخشی معلم را افزایش می‌دهد.

علاوه بر این، اگرچه مطالعاتی مانند گرت و همکاران (۲۰۰۱) و دارلینگ-هاموند و همکاران (۲۰۱۷) پیوندهای قوی بین توسعه حرفه‌ای و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را نشان داده‌اند، اما به صراحت توسعه

حرفه‌ای را به عنوان واسطه‌ای بین دانش معلم و اثربخشی قرار نداده‌اند. بنابراین، یافته‌های حاضر درک مفهومی از یادگیری حرفه‌ای را اصلاح می‌کند و پشتیبانی تجربی برای مدل‌هایی ارائه می‌دهد که دانش معلم، فرصت‌های یادگیری و اثربخشی را به عنوان بخشی از یک سیستم وابسته به هم می‌بیند این یافته همچنین از چارچوب‌های مفهومی پشتیبانی می‌کند که توسعه حرفه‌ای را به عنوان یک پیوند حیاتی بین دانش معلم و شیوه کلاس درس می‌بیند (آوالوس، ۲۰۱۱؛ کندی، ۲۰۱۶). آوالوس (۲۰۱۱) استدلال کرد که یادگیری معلم یک فرآیند مداوم است که تحت تأثیر فرصت‌های رشد حرفه‌ای قرار دارد، در حالی که کندی (۲۰۱۶) اظهار داشت که محیط‌های یادگیری حرفه‌ای ساختاریافته، شرایط لازم برای به‌کارگیری مؤثر دانش برنامه درسی را ایجاد می‌کنند. مطالعه حاضر با تأیید یک اثر میانجیگری قابل توجه، شواهد تجربی را ارائه می‌دهد که از این فرضیات نظری پشتیبانی می‌کند.

از لحاظ نظری، این یافته‌ها از دیدگاه‌های سازنده‌گرایانه در مورد یادگیری معلمان حمایت می‌کنند، که در آن دانش (به عنوان مثال، سواد برنامه درسی) باید از طریق عمل تأملی و یادگیری حرفه‌ای مداوم، زمینه‌سازی و اجرا شود.

این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌هایی که صرفاً بر اصلاحات برنامه درسی یا ارتقای دانش (به عنوان مثال، از طریق آموزش قبل از خدمت) متمرکز هستند، ممکن است تأثیر محدودی داشته باشند، مگر اینکه با برنامه‌های توسعه حرفه‌ای قوی و با کیفیت بالا که به معلمان کمک می‌کنند دانش برنامه درسی را به شیوه‌های تدریس عملی تبدیل کنند، همراه شوند. در زمینه‌هایی که توسعه حرفه‌ای پراکنده، مبتنی بر انطباق یا جدا از نیازهای برنامه درسی معلمان است، سواد برنامه درسی به تنهایی ممکن است منجر به بهبود قابل توجهی در کیفیت تدریس نشود (پدر، ۲۰۱۱) بنابراین، یافته‌ها بر اهمیت سیستم‌های یادگیری حرفه‌ای یکپارچه که متمرکز بر برنامه درسی هستند، در طول زمان پایدار می‌مانند و در زمینه‌های آموزشی معلمان جای می‌گیرند، تأکید می‌کنند.

به طور تجربی نقش واسطه‌ای توسعه حرفه‌ای را نشان می‌دهد، که قبلاً به صورت نظری مطرح شده بود اما به ندرت مورد آزمایش قرار گرفته بود. این مطالعه سواد برنامه درسی را به عنوان یک شرط لازم اما نه کافی برای اثربخشی معلمان قرار می‌دهد و بحث‌های مربوط به نقش دانش معلمان در اصلاحات آموزشی را از نو شکل می‌دهد. این مطالعه تأکید می‌کند که توسعه حرفه‌ای نباید به عنوان یک مداخله جداگانه، بلکه به عنوان یک پل ضروری بین دانش معلمان و عملکرد کلاس درس در نظر گرفته شود

با توجه به نقش مؤثر سواد برنامه درسی در اثربخشی آموزشی، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای معلمان طراحی و اجرا شود. این دوره‌ها باید بر تحلیل برنامه درسی، طراحی فعالیت‌های یادگیری، و تطبیق محتوای آموزشی با نیازهای دانش‌آموزان تمرکز داشته باشند تا معلمان بتوانند با درک عمیق‌تری از اهداف و ساختار برنامه درسی، عملکرد آموزشی خود را بهبود بخشند

منابع فارسی

- طاهرپور کلانتری، م سعود و غلام پور، میثم. (۱۴۰۱). سنتز پژوهی مؤلفه ها و شاخص های تو سعه حرفه ای معلمان. *پژوهش های برنامه درسی*، ۱۲(۲)، ۱۰۳-۱۲۱.
- تقی پور، صالحی عمران، عابدینی بلترک، میمنت. (۲۰۲۲). نقش سواد برنامه ریزی درسی در عملکرد شغلی معلمان با میانجی گری جهت گیری تدریس. *تدریس پژوهی*، ۱۰(۲)، ۶۰-۳۹.
- گراوند، عباس پور. (۲۰۱۲). مقایسه اثربخشی معلمان جذب شده از مراکز تربیت معلم و حق التدریس از دیدگاه مدیران مدارس راهنمایی شهر تهران. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*، ۸(۲۴)، ۱۰۰-۱۲۰.

منابع انگلیسی

- Brookfield, S. D. (2017). *Becoming a critically reflective teacher* (2nd ed.). Jossey-Bass.
- Connelly, F. M., & Clandinin, D. J. (1988). *Teachers as curriculum planners: Narratives of experience*. Teachers College Press.
- Darling-Hammond, L. (2017). Teacher education around the world: What can we learn from international practice? *European Journal of Teacher Education*, 40(3), 291–309.
- Darling-Hammond, L., Flook, L., Cook-Harvey, C., Barron, B., & Osher, D. (2017). Implications for educational practice of the science of learning and development. *Applied Developmental Science*, 21(3), 97–140.
- Desimone, L. M. (2009). Improving impact studies of teachers' professional development: Toward better conceptualizations and measures. *Educational Researcher*, 38(3), 181–199..
- Grossman, P. (1990). *The making of a teacher: Teacher knowledge and teacher education*. Teachers College Press.
- Pinar, W. F. (2012). *What is curriculum theory?* (2nd ed.). Routledge.
- Shulman, L. S. (1986). Those who understand: Knowledge growth in teaching. *Educational Researcher*, 15(2), 4–14.

Shulman, L. S. (1987). Knowledge and teaching: Foundations of the new reform. *Harvard Educational Review*, 57(1), 1–22.

Sims, S., Fletcher-Wood, H., & O'Hara, E. (2023). Effective teacher professional development: New theory and a meta-analytic test. *Scribd*.
<https://www.scribd.com/document/714842865>

The Mediating Role of Professional Development in the Relationship between Curriculum Literacy and Teacher Effectiveness (Case Study: Kazerun City)

¹Alireza Mosalli

Pary Mashayekh

Abstract

Introduction and Purpose: The present study aimed to investigate the mediating role of professional development in the relationship between curriculum literacy and teacher effectiveness. The research method was correlational based on structural equation modeling.

Methodology: This research employed a descriptive–correlational design. The statistical population included all junior high school teachers in Kazerun city. Using Krejcie and Morgan’s table, a sample was selected through cluster random sampling. Data were collected using the following instruments: the Curriculum Literacy Questionnaire by Ababaf et al. (2013), the Professional Development Questionnaire by Ghanbari and Mohammadi (2016), and the Teacher Effectiveness Questionnaire by Edmond et al. (2005). Content validity was confirmed through Lawshe’s CVR (agreement coefficient above 0.70), and reliability was verified using Cronbach’s alpha ($\alpha > 0.88$).

Findings: Curriculum literacy had a significant effect on teacher effectiveness. Moreover, curriculum literacy significantly influenced professional development. The main hypothesis results showed that the indirect effect of curriculum literacy on teacher effectiveness, mediated by professional development, was 0.42 and significant at the 0.05 level.

Conclusion: Teachers’ curriculum literacy plays a crucial role in enhancing their effectiveness. In addition to its direct impact, curriculum literacy fosters professional development, which in turn strengthens the indirect effect of curriculum literacy on teacher effectiveness. In other words, higher levels of curriculum literacy among teachers lead to greater effectiveness, both directly and through the pathway of professional development.

Keywords: Professional Development, Curriculum Literacy, Teacher Effectiveness

¹ Department of Educational Science, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran.

² * Department of Educational Science, Kazerun Branch, Islamic Azad University, Kazerun, Iran. (Corresponding author). Email: Pary.mashayekh @iau.ac.ir